

آن سوی رودخانه، زیر درختان

ارنست همینگوی

ترجمه احمد کسایی پور



انتشارات هرمس

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Across the River and Into the Trees
Ernest Hemingway
Scribner Classics, New York, 1996



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی‌عصر، پلاک ۱۰، میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴
مجموعه ادب خیال - ۲

آن سوی رودخانه، زیر درختان

ارنست همینگوی

ترجمه احمد کسایی پور

چاپ اول: ۳۹۴۰

تیراژ: ۲۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه اتانیا - تهران
همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه:	همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹-۱۹۶۱ م	Hemingway, Ernest
عنوان و نام پدیدآور:	آن سوی رودخانه، زیر درختان / ارنست همینگوی؛ ترجمه احمد کسایی پور	
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۹۴.	
مشخصات ظاهری:	۳۵۳ ص	
شابک:	978-964-363-910-5	
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا	
یادداشت:	عنوان اصلی: <i>Across the River and Into the Trees</i>	
موضوع:	داستانهای آمریکایی - قرن ۲۰ م.	
شناسه افزوده:	کسایی پور، احمد، ۱۳۴۲ - مترجم	
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ ب ۴ م ۹ / ۳۵۴۳ PS	
رده‌بندی دیویی:	۸۱۳ / ۵۴	
شماره کتابشناسی ملی:	۳۵۸۲۵۸۶	

در آستانه خزانی ناشناخته

.. با او دین، حتی اگر این رمان را تصویر مضحکه آمیزی از سرنوشت خود همینگوی هم ببینیم، به اعتقاد من پرکشش ترین و انسانی ترین نوشته اش همین ناکام ترین اثر اوست: آن سوی درختخانه، در درختان. این کتاب، همان طور که خود همینگوی هم اذعان داشت، ابتدا در قالب یک داستان کوتاه شروع شد و بعد به بیراهه افتاد و به کلاف سردرگمی از رمان ختم شد. مشهور تر آنست که این همه نقائص ساختاری و این همه خطاهای تکنیکی چطور به کار این داستان پیچیده دستی راه یافته است — همین طور گفت وگوهای [گاه] تا این حد باسهم، و حاشی می توان گفت سرهم بندی شده، در کار یکی از درخشان ترین صنعتگران تاریخ ادبیات در سال ۱۹۵۰ که کتاب منتشر شد، انتقادهای سختی از آن صورت گرفت که البته نشان دهنده بی منتقدان نیز بود. همینگوی در آسیب پذیرترین نقطه وجودش سخت احس سرخوردگی کرد و برای دفاع از خود تلگرام پرسوز و گدازی از هاوانا فرستاد که در آن نوشته است: در جایگاه او نبود. مع هذا این کتاب نه تنها بهترین رمان همینگوی، بلکه شخصیت ترین اثرش نیز هست، زیرا او آن را در آستانه خزانی ناشناخته نوشته بود، در حسرت سال های بازگشت ناپذیری که پشت سر نهاده بود، همراه با دلشوره اندوهناک سال های انگشت شماری که از زندگی اش باقی بود. همینگوی در هیچ یک از کتاب هایش، تا این حد بخشی از وجود خودش را، جا نگذاشته است، همچنان که در هیچ کدام — با چنین زیبایی و چنین ظرافتی — به بیان سودای بنیادین زندگی و آثارش نیافته است: بیهوده بودن پیروزی، مرگ قهرمان، آتش، چنان که پیداست در کمال آرامش و به نحوی کاملاً طبیعی، تجسم تغییر چهره داده خودکشی خودش بود

گابریل گارسیا مارکز